

بررسی زاویه دید در داستان حضرت مریم (س) بر اساس الگوی وجهی - روایی پاول سیمپسون*

فاطمه سادات زیارتی^۱

مینا جیگاره^۲

سهیلا صلاحی مقدم^۳

چکیده

در قرآن مجید از شخصیت‌های مختلفی سخن به میان آمده که یکی از آنها، حضرت مریم (س) است. هدف از این نوشتار، بررسی و تجزیه و تحلیل زبان‌شناختی زاویه دید در داستان مریم (س) بر اساس مدل پیشنهادی پاول سیمپسون است؛ زبان‌شناسی که در سبک‌شناسی، مؤلفه‌های دقیقی برای بررسی داستان ذکر کرده است. نتایج نشان از آن دارد که راوی در ۲۹ مورد، از نوع سوم شخص بازتاب‌گر است و افکار، عقائد و احساسات و افعال شخصیت‌های داستان را شرح می‌دهد و در چهار مورد، راوی اول شخص و دخیل در داستان می‌باشد و به یاری شخصیت‌های داستان می‌آید. بر اساس محور دوم تقسیم‌بندی سیمپسون، وجهیت غالب در متن، مثبت است که نشان از دیدگاه قاطع و مطمئن راوی در مورد واقعیت توحید و اخلاص و نتایج و دستاوردهای ناب آن دارد. ابزارهای زبان‌شناختی به کار رفته در این وجه عبارتند از: فعل‌ها و واژه‌های مبنی بر وجهیت مثبت مثل فعل‌های دعایی، امری، ادات تأکید، جملات بیان‌کننده عقیده و جملات تعمیم‌دهنده. تفکر غالب در زبان متن روایی، بریدن حضرت مریم (س) از دنیا و پیوستن به ملکوت الهی و زندگی در محیط‌هایی مثل محراب و سرزمینی دور است که نشان از وابستگی شدید به خداوند، دل‌بریدن از غیر او و نیز معجزاتی که در اثر این ارتباط خالصانه اتفاق می‌افتد، دارد؛ هرچند در مواردی، وجهیت منفی از جانب برخی از شخصیت‌ها مانند قوم یهود، در زبان متن روایی قابل مشاهده است. واژگان کلیدی: قرآن، داستان حضرت مریم (س)، الگوی پاول سیمپسون، زاویه دید، الگوی روایی، وجهیت.

* دریافت: ۹۷/۰۶/۲۰ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۰ (مقاله پژوهشی).

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه الزهرا تهران (نویسنده مسئول) / f.ziaraty@alzahra.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه الزهرا تهران / m.jigare91@yahoo.com

۳. دانشیار دانشگاه الزهرا تهران / ssmoghaddam@yahoo.com

۱- مقدمه

داستان‌پردازی در فرهنگ جوامع مختلف، نقش مهمی دارد و تقریباً یک سوم قرآن کریم به قصه‌ها اختصاص یافته است، زیرا قرآن از ورای داستان‌ها به بیان سنت‌های حاکم بر جهان هستی می‌پردازد؛ سنت‌هایی که نه تغییر می‌پذیرد و نه نقض می‌شود. در مرآی قرآن تاریخ تکرار یک تجربه است که بشر باید راه خود را از بین حق و باطل برگزیند.

یکی از جدیدترین نظریات روایت، دیدگاه روایی پاول سیمپسون (Paul Simpson) زبان‌شناس و نظریه‌پرداز معاصر است. وی رئیس دانشکده کوئین بلفاست در ایرلند است و شهرتش بیشتر به خاطر کتاب‌ها و مقالاتی است که درباره مسائل سبک‌شناسی و زبان‌شناسی تألیف و تدوین نموده است. وی با ابزار زبان‌شناختی و به شکل علمی شیوه‌های روایتگری را تجزیه و تحلیل می‌کند. سیمپسون در بحث روایت، که نوعی گفتمان است، چند واحد سبک‌شناختی را مطرح کرده است. این عناصر به ترتیب عبارتند از: رسانه متنی، رمز زبان-جامعه‌شناختی، شخصیت‌پردازی و کنش‌ها و حوادث، شخصیت‌پردازی و زاویه دید. او همچنین در تحلیل روایت از ریخت‌شناسی قصه‌های پریان (ولادیمیر پراپ)^۱ و الگوی روایت طبیعی (لابوف)^۲ بهره می‌برد. یکی از مهم‌ترین گزینش‌های راوی، زاویه دید است، زیرا بر نحوه واکنش خوانندگان تأثیر بسزایی دارد.

هدف این مقاله، تعیین نوع راوی و انواع زاویه دید و بررسی وجهیت در داستان مربوط به حضرت مریم (س) در قرآن است که در قالب ۳۰ آیه و در سوره‌های شریفه «آل عمران»، «مریم»،

۱. ولادیمیر پراپ، مردم‌شناس صورتگرای روس، با مطالعه ریخت‌شناسانه ۱۰۰ داستان از داستان‌های پریان روسی در سال ۱۹۲۸ به این جمع‌بندی رسید که با وجود تنوع در شخصیت‌های داستان‌های مختلف، عمل یا کار آنها تغییر نمی‌کند. او با تجزیه و تحلیل کارکردها، به چهار اصل کلی درباره این داستان‌ها دست یافت: (۱) کارکردها سازه‌های بنیادی و عناصر ثابت و تغییرناپذیر داستان‌اند، جدا از اینکه چه کسی و چگونه آنها را انجام می‌دهد؛ (۲) تعداد کارکردها در داستان‌های پریان محدود است؛ (۳) توالی این عناصر و کارکردها همیشه یکسان است؛ (۴) همه داستان‌های پریان از لحاظ ریخت و ساختار، متعلق به یک تیپ هستند (حق‌شناس و خدیش، ۱۳۸۷، صص ۳۰ و ۳۱).

۲. این الگو برای مطالعه ساختار روایات ادبی کوتاه و روایات درونه‌گیری شده در روایات بزرگتر بسیار مناسب است (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۱۱۷). در اصل، لبوا این الگو را برای تجزیه و تحلیل گفتار گویشوران در بافت‌های اجتماعی واقعی ارائه کرد. پیکره او شامل صدها روایت شفاهی بود (همان، ص ۱۱۴). لبوا برای هر روایت شفاهی کاملاً شکل یافته، ساختاری شش‌بخشی قائل است که عبارتند از: (۱) چکیده: داستان درباره چیست؟ (۲) جهت‌گیری: پای چه کسی یا چه چیزی در میان است؟ کی و کجا رویدادی به وقوع پیوست؟ (۳) کنش‌گره‌افکن: سپس، چه اتفاقی افتاد؟ (۴) ارزیابی: خُب حالا که چه؟ چرا و چگونه این ماجرا جالب است؟ (۵) نتیجه و راه‌حل: سرانجام چه اتفاقی افتاد؟ (۶) پایانه چطور داستان پایان می‌پذیرد؟ (همان، ص ۱۱۵/ تولان، ۱۳۸۶، صص ۲۶۵ و ۲۶۶).

«مائده»، «نساء»، «انبیاء»، «مؤمنون» و «تحریم» دیده می‌شوند. بر این اساس و با روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱- در بررسی داستان حضرت مریم (س) بر اساس الگوی سیمپسون، کدام راوی بیشتر مورد نظر بوده است و دلیل این گزینش چیست؟

۲- زاویه دید مکانی داستان حضرت مریم (س) چگونه است؟ چرا؟

برای پاسخ به این سؤالات، نخست به پیشینه بحث و مبانی نظری مربوط به زاویه دید شامل: «زاویه دید زمانی، مکانی، روان‌شناختی و ایدئولوژیکی» و بیان انواع وجهیت پرداخته شده است. پس از ارائه این مبحث، خلاصه‌ای از زندگی و داستان حضرت مریم (س) ذکر شده و سپس، با توجه به مبانی نظری، به سؤالات مطرح شده، پاسخ داده شده و آیات داستانی حضرت مریم (س) مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش‌هایی که در زمینه داستان مریم (س) در قرآن نگاشته شده است، عبارتند از: «بررسی سبک شناسانه سوره مریم»، نوشته سمیه حسنعلیان، مجله قرآن شناخت، ۱۳۸۹. نویسنده در چهار سطح آوایی، معنایی، ترکیبی و تصویرپردازی، به بررسی سوره مریم پرداخته و به این نتیجه رسیده که در سطح آوایی یک نوع هماهنگی در موسیقی سوره مزبور وجود دارد و تکرار بعضی صوت‌ها و کلمات در آهنگین کردن آن مؤثر افتاده است. در این سوره، از تصویرپردازی برای تثبیت معانی مورد نظر در ذهن مخاطب استفاده شده است.

«تحلیل روایت شناختی داستان مریم (س) در قرآن»، نوشته اعظم‌سادات حسینی، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۷. نویسنده این مقاله به این نتیجه رسیده که این داستان پیرنگی تقریباً مشابه با داستان‌های بشری دارد و بازنگری عناصری مانند روایتگر، شخصیت‌ها و زاویه دید در این داستان با رویکرد روایت‌شناختی، می‌تواند دست‌آوردهای تازه‌ای برای فهم این حکایت به ارمغان آورد.

در زمینه الگوی سبک‌شناسی پاول سیمپسون، پژوهش‌هایی انجام شده است که به صورت خلاصه به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

پایان‌نامه «تبیین عیار واقع‌نمایی رمان رازهای سرزمین من در چارچوب الگوی سیمپسون»: نوشته نرگس خادمی که به راهنمایی محمود فتوحی سال ۱۳۸۹ در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده است. در این پژوهش، بیان شده است که سیمپسون، در کتاب خود با عنوان «زبان،

ایدئولوژی و دیدگاه»، با در نظر گرفتن پنج عنصر زمان روایت، موقعیت مکانی راوی، وجهیت، شیوه‌های بازنمایی گفتار و شیوه‌های بازنمایی اندیشه، نه نوع دیدگاه روایی مختلف را معرفی می‌کند. وی همچنین عیار واقع‌گرایی را در این رمان، در چارچوب الگوی سیمپسون تبیین نموده است.

مقاله «بررسی و تحلیل داستان حضرت یوسف در قرآن کریم در چارچوب الگوی سیمپسون» نوشته پیمان صالحی، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن ۱۳۹۵. در این مقاله، پس از بررسی داستان حضرت یوسف (ع) از دیدگاه پاول سیمپسون، نویسنده به این نتیجه رسیده که راوی از نوع سوم شخص بازتابگر بوده و وجهیت غالب آن مثبت و نشان دهنده دیدگاه قاطع راوی می‌باشد و در بعضی موارد، برای ترسیم نحوه رخ دادن سوء تفاهم‌ها و ارزیابی طرفین از یکدیگر، از وجهیت منفی استفاده شده است.

مقاله «بررسی زبان‌شناختی دیدگاه روایتگری داستان «روز اول قبر» صادق چوبک در چارچوب مدل سیمپسون» نوشته فردوس آقاگل‌زاده و شیرین پورابراهیم، مجله نقد ادبی، ۱۳۸۷. پس از تجزیه و تحلیل، نویسنده به این نتیجه رسیده که راوی سوم شخص بازتابگر بوده و افکار و احساسات شخصیت اول داستان را شرح می‌دهد و وجهیت غالب در متن مثبت و نشان دهنده دیدگاه قاطع راوی در مورد واقعیت مرگ است.

پایان‌نامه «سبک‌شناسی روایت در داستان‌های کوتاه (رویکرد نقشگرا براساس الگوی سیمپسون ۲۰۰۴)»: نوشته سیدحسین رضویان به راهنمایی فردوس آقا گل‌زاده و مشاوره عالی به کرد زعفرانلو کامبوزیا در سال ۱۳۹۰ در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است. در این پژوهش، دوازده داستان کوتاه فارسی از چهار نویسنده معاصر ایرانی بررسی شده است.

پژوهش‌های انجام‌شده قابل تقدیر است، اما تاکنون داستان حضرت مریم (س) براساس مدل پیشنهادی سیمپسون بررسی نشده است و تحلیل این داستان در قرآن کریم می‌تواند هرچه بیشتر ما را با جوهره عمیق آن و مطابقتش با الگوهای متنوع داستانی رهنمون شود.

۳- الگوی وجهی-روایی پاول سیمپسون

سیمپسون با در نظر گرفتن نظریات فالر و اسپنسکی در حوزه دیدگاه روایی، الگوی نهایی انواع دیدگاه روایی خود را که شامل نه دیدگاه است، ارائه می‌کند. از نظر او، دیدگاه روایی سه بخش جزئی‌تر دیدگاه مکانی، دیدگاه زمانی و دیدگاه روان‌شناختی را در بر دارد و عناصر وجهی به کار گرفته شده در متن زمینه‌ساز پیوند این سه نوع دیدگاه است و در نهایت، باعث پیدایش دیدگاه‌های وجهی-روایی نه‌گانه سیمپسون می‌شود. از سویی، سیمپسون معتقد است با بررسی

نوع دیدگاه روایی به کار گرفته شده در متن داستان، می‌توان به تحلیلی از دیدگاه ایدئولوژیکی نویسنده نیز رسید.

۴- زاویه دید و انواع آن

زاویه دید در واقع رابطه راوی را با داستان نشان می‌دهد و از دو جهت، برای خواننده حائز اهمیت است: یکی از جهت فهم داستان و دیگر از جهت ارزیابی آن.

۴-۱- زاویه دید: سیمپسون زاویه دید را رابطه‌ای بین روایتگری و شخصیت می‌داند و قسمت عمده‌ای از بافت هر داستان را نتیجه مستقیم چارچوبی می‌داند که نویسنده برای روایت داستان خود برمی‌گزیند. زاویه دید نشان‌دادن حوادث داستان از دیدگاه یک شخصیت خاص یا یک راوی دانای کل و یا ترکیبی از این دو است. شاخص مهم در زاویه دید، شیوه فرایندهای گفتاری و اندیشگانی است که در داستان نمود یافته‌اند.

۴-۲- انواع زاویه دید: سیمپسون دیدگاه را به دو نوع کلی دیدگاه اول شخص و سوم شخص تقسیم می‌کند.

۴-۲-۱- دیدگاه اول شخص: این نوع دیدگاه، در برگزیده انواع روایت‌ها با زاویه دید اول شخص و از قول شخصیتی دخیل در روایت است، یعنی نوعی از دیدگاه که راوی آن، خود در داستانی که روایت می‌کند، نقش دارد. از نظر نظام‌های وجهی، این نوع کلی به سه نوع جزئی تر «دیدگاه اول شخص مثبت»، «دیدگاه اول شخص منفی» و «دیدگاه اول شخص خنثی» تقسیم می‌شود.

۴-۲-۲- دیدگاه سوم شخص: این نوع دیدگاه، شامل روایت‌هایی با زاویه دید سوم شخص است. این نوع کلی بر اساس اینکه، حوادث داستان تا چه میزان در درون یا بیرون از آگاهی یک یا چند شخصیت خاص اتفاق می‌افتد، به دو نوع جزئی‌تر تقسیم می‌شود:

۴-۲-۲-۱- دیدگاه سوم شخص روایتگری: راوی در این نوع، در موقعیتی خارج از روایت قرار می‌گیرد و به تعبیر سیمپسون، دارای «جواز دانای کل» است. همچنین، تنها لحن به کار گرفته شده در آن، لحن راوی است.

۴-۲-۲-۲- دیدگاه سوم شخص بازتابگر: راوی سوم شخص گاهی با جواز دانایی کل، وارد ذهن یکی از شخصیت‌های داستان می‌شود و به روایت افکار و احساسات او می‌پردازد. در این

صورت، او نقش بازتابگر داستان را می‌گیرد و دیدگاه روایت به «بازتابگر» تبدیل می‌شود (سیمپسون، ۱۹۹۳، ص ۵۱).

۵- انواع نظام وجهی زبان

«وجهیت به معنای جهت‌گیری خاص نویسنده نسبت به آنچه می‌گوید، است و نشانه‌ای قوی بر وجود زاویه دید یا به عبارتی، ذهنیت گوینده یا نویسنده است و یکی از ابزارهایی است که خواننده احساس می‌کند به واسطه آن از سوی شخصی دارای صدا و احساسات، نگرانی‌ها و عدم قطعیت‌های انسانی، مخاطب واقع شده است و به واسطه این ابزار، مخاطب احساس می‌کند این امکان را دارد که ادعاهای وجهی شده گوینده را به صورت ارادی بپذیرد، به جای اینکه صرفاً آنها را دریافت کند و در مقابل آنها تسلیم شود. میزان قطعیت، یکی از مؤلفه‌های مهم زبان است. از نظر سیمپسون، با بررسی وجهیت می‌توان زاویه دید روان‌شناختی یک متن را تعیین نمود. سیمپسون چهار نوع اصلی نظام وجهی زبان را امری، تمنایی، برداشتی یا معرفتی و ادراکی می‌داند» (همان، ص ۴۷).

۵-۱- **وجه امری:** وجه امری به آنچه باید یا بهتر است که انجام شود، اشاره دارد و نگرش گوینده را به درجه تعهد وی در برابر انجام کار خاصی منعکس می‌کند.

۵-۲- **وجه تمنایی:** وجه تمنایی تا حد زیادی شبیه به وجه امری است. این نوع به آنچه مورد درخواست است، اطلاق می‌شود.

۵-۳- **وجه برداشتی یا معرفتی:** این وجه به طور مستقیم دربردارنده میزان اطمینان یا عدم اطمینان گوینده نسبت به صدق گزاره‌های بیان شده است. افعالی مانند: فکر می‌کنم، عقیده دارم، ... و صفاتی مانند: مشکوک، قطعی، ... و قیودی مثل: شاید و قطعاً نمایانگر این وجه هستند.

۵-۴- **وجه ادراکی:** وجه ادراکی به نوعی زیرمجموعه وجه معرفتی است و شامل میزان تعهد گوینده نسبت به درستی گزاره‌ای با ارجاع به ادراک‌های انسان، به‌ویژه، ادراک‌های دیداری است، واژه‌هایی مانند: شفاف است، به نظر می‌رسد، ... و افعالی مانند: دیدن و شنیدن می‌توانند زیرمجموعه این وجه قرار گیرند» (خادمی، ۱۳۹۱، صص ۲۶-۳۳).

۶- انواع ساحت‌های مطرح در زاویه دید

سیمپسون در زاویه دید از رویکرد نوین فاولر-آسپینسکی استفاده می‌کند. این مدل در شکل بخشیدن به کارهای سبک‌شناختی در زمینه زاویه دید اهمیت فراوانی داشته است چهار ساحت مطرح در این رویکرد عبارتند از: ایدئولوژیکی، زمانی، مکانی و روان‌شناختی.

۶-۱- **ساحت ایدئولوژیک:** باختین (Bakhtine) این واژه را برای اشاره به نوعی جهان‌بینی خاص که خواهان اهمیت اجتماعی است، به کار می‌برد (مارتین، ۱۳۸۶، ص ۱۱۳). «این ساحت حوزه معنایی گسترده‌ای را در بر می‌گیرد و شامل لایه‌های مختلف کلام می‌شود و منشأ باورهای است که هر انسانی از آن بهره می‌برد تا جهان اطراف خود را بشناسد. شخصیت‌ها مانند بستری برای جریان‌های ایدئولوژی در قصه عمل می‌کنند. اصولاً رخدادهای کلامی ماهیتی ایدئولوژیک دارند و به‌طور غیر مستقیم ساختارهای سیاسی، اقتصادی، مناسبات بازار و... را در خود جای می‌دهند» (فتوحی، ۱۳۹۲، صص ۳۴۵-۳۴۶).

«ایدئولوژی در متون به دو صورت صریح و ضمنی بازتاب می‌یابند. متن‌هایی که در آنها ایدئولوژی باصراحت و شفافیت بازتاب یافته، از نوع متن‌های گفتمانی‌اند که به‌طور مستقیم، نشانه‌ها و محتوای گروه ایدئولوژیک را بیان می‌کنند. این متن‌ها متعلق به یک جامعه گفتمانی یا جامعه تفسیری خاص هستند، یعنی متعلق به گروهی از نویسندگان و خوانندگان که ژانر یا گونه متنی خاص را می‌سازند» (همان، ص ۳۵۰). «بررسی این نوع زاویه دید، در مطالعاتی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، انجام می‌شود» (همان، ص ۳۵۳).

۶-۲- **ساحت زمانی:** به‌طور کلی دو نوع زمان داریم؛ «زمان داستان» و «زمان متن». زمان داستان، مدت زمانی است که داستان در واقعیت اتفاق افتاده؛ ولی زمان متن مقدار زمانی است که روایت یک واقعه در متن را به خود اختصاص می‌دهد (خادمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳). این شاخص، شامل انواع دور و نزدیک است که بیان انواع قیده‌های زمان می‌تواند بیانگر این نوع شاخص باشد.

۶-۲-۱- **نظم:** «نظم ترتیب ارائه رخدادهای و بیان منطقی و نظام‌مند داستان است. ترتیب زمان واقعی روایت هیچ‌گاه با ترتیب روایت شده داستان در متن، متوازن نیست و به‌ناگزیر، در ترتیب وقایع پسین و پیشین تغییری به وجود می‌آید. دلیل این زمان پریشی در تفاوت میان این دو نوع زمان‌مندی نهفته است» (تودوروف، ۱۳۸۲، ص ۵۹). «سیمپسون در این بخش، از نظریه ژنت استفاده کرده است. بررسی زاویه دید شامل استخراج مجموعه‌ای از تکنیک‌های سبک‌شناختی همانند تکرار، تأخر (بازگشت به گذشته)، تقدم (پیش‌نگاه یا پیش‌بینی) است. به‌طور کلی، هرگونه دخالت و دستکاری نویسنده در توالی زمان در روایت در این بخش بررسی می‌شود» (سیمپسون، ۲۰۰۴، صص ۷۸ - ۷۹).

۶-۲-۱-۱- تأخر (پس نگاه): یک حرکت نابهنگام به زمان گذشته است، به طوری که حادثه ای که از نظر توالی زمانی، زودتر اتفاق افتاده، در متن دیرتر نقل می‌شود.

۶-۲-۱-۲- تقدم (پیش نگاه): یک حرکت نابهنگام به زمان آینده است، به طوری که یک واقعه آینده در متن، قبل از زمان خود و نیز قبل از ارائه وقایع زمانی میانی، نقل می‌شود. به عقیده ژنت، تقدم نسبت به تأخر، بسیار نادرتر است» (تولان، ۱۳۸۶، صص ۷۹-۸۵).

۶-۲-۲- دیرش: «دیرش عمدتاً رابطه‌ای است بین مقدار زمانی که فرض می‌شود وقایع عملاً به خود اختصاص داده‌اند و مقدار متنی که برای ارائه همان وقایع صرف می‌شود. سرعت هر قسمت از متن را می‌توان با توجه به سرعت قسمت‌های دیگر متن، سرعت متن در کل و یا با مقیاس‌های جهان واقعی سنجید، یعنی می‌توانیم این مسأله را بررسی کنیم که روایت یک واقعه در متن چه سرعتی نسبت به روی دادن آن واقعه در جهان خارج دارد» (افخمی و علوی، ۱۳۸۲، ص ۶۳).

«در زمان تقویمی و خطی، گذر زمان روند یکنواختی دارد، اما تصویر زمان در روایت، کاملاً منطبق با زمان واقعی نیست، مثلاً می‌توان ماجراهای یک روز را در چند دقیقه بیان کرد. ژنت تداوم را به معنای نسبت میان متن و حجم متن به کار می‌برد و در بررسی ضرب‌آهنگ روایت آن را مبنا قرار می‌دهد و شتاب مثبت و منفی را در سنجش با آن به دست می‌آورد. اختصاص بخش کوتاهی از متن به زمان زیادی از داستان، شتاب مثبت و اختصاص بخش زیادی از متن به زمان کوتاه، شتاب منفی نام دارد. برای نمونه، اگر هر صفحه از متن روایت معادل یک ماه از زندگی شخصیت باشد، اختصاص بخش بزرگی از متن به مدت زمانی کوتاه، نشان دهنده شتاب منفی و سرعت کند روایت است و اگر دوره زمانی گسترده‌ای در قطعه‌ای کوتاه از متن روایت شود، شتاب مثبت و سرعت روایت، زیاد است» (احمدی، ۱۳۸۵، صص ۳۱۵-۳۱۷).

۶-۲-۲-۱- حذف: «حداکثر سرعت را حذف می‌نامیم که در آن هیچ فضای متنی روی بخشی از دیرش داستانی صرف نشده است» (تولان، ۱۳۸۶، ص ۹۰). در حذف بخشی از داستان و رخدادهای آن روایت نمی‌شود.

۶-۲-۲-۲- درنگ توصیفی: «وضعیت مقابل حذف، درنگ توصیفی است بدین معنی که متن دیرش داستانی ندارد» (همان). در مکث توصیفی، رویدادها با تفسیر روایت می‌شوند.

۶-۲-۲-۳- خلاصه: «در خلاصه فقط مشخصات اصلی یک واقعه ذکر می‌شود و وقایع جزئی و بی‌اهمیت روایت نمی‌شوند» (افخمی و علوی، ۱۳۸۲، ص ۶۴)

۶-۲-۲-۴- صحنه: «در صحنه، سرعت داستان با سرعت روایت به صورت قراردادی یکسان است. سرعت صحنه‌ای را می‌توان با سرعت تعامل واقعی شبیه دانست» (همان). دیالوگ بهترین شکل صحنه نمایشی به حساب می‌آید و به معنای صحبتی است که در میان شخصیت‌ها یا به‌طور

گسترده‌تر، در افکار شخصیت واحدی در هر کار ادبی، صورت می‌گیرد (میرصادقی، ۱۳۹۴، ص ۶۰۷). «کانون تمرکز آن نقطه‌ای است که رویداد اصلی و تعیین‌کننده در همان جا روی می‌دهد. بیشترین ارتباط عاطفی خواننده با داستان در همین نقطه پدید می‌آید» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹).

۶-۲-۳- تکرار یا بسامد: «مفهوم بسامد روایی عبارتی است از رابطه بین دفعاتی که یک رخداد در داستان اتفاق می‌افتد و تعداد دفعاتی که در روایت نقل می‌شود. ژنت بسامد را به اشکال زیر معرفی می‌کند:

۶-۲-۳-۱- بسامد مفرد: متداول‌ترین نوع بسامد است که در آن رخدادی را که یک بار اتفاق افتاده است، یک بار روایت کنند. همچنین، روایت چند باره رویدادی را که چند بار اتفاق افتاده باشد، از نوع بسامد مفرد به شمار می‌آید» (ژنت، ۱۹۸۰، ص ۱۱۴ به نقل از پاشایی، ۱۳۹۴، ص ۵۲).

۶-۲-۳-۲- بسامد مکرر: رخدادی را که فقط یک بار اتفاق افتاده باشد، چند بار روایت کنند، روایت مکرر خواهد بود. یک رویداد ممکن است از زبان اشخاص مختلف و از دیدگاه‌های مختلف گفته شود و یا از زبان یک شخص، اما در زمان‌های مختلف روایت شود.

۶-۲-۳-۳- بسامد بازگو: «در متن روایی رخداد‌های بسیاری دیده می‌شود که چندین بار اتفاق افتاده است، اما راوی فقط یک بار آنها را روایت می‌کند. راوی با استفاده از این نوع بسامد رخداد‌هایی را که اهمیت کمتری در پیشبرد داستان دارند، نشان می‌دهد» (پاشایی، ۱۳۹۴، ص ۵۳). ترتیب، دیرش و بسامد به هم مرتبط هستند به طوری که تغییر در یک عنصر موجب تغییر در عناصر دیگر می‌شود. «تحلیل عنصر زمان در آثار مورد بررسی، نشان از توالی هوشمندانه و از پیش انگاشته شده رخدادها توسط نویسندگان و شاعران به‌منظور باورپذیری جهان داستان از سوی خوانندگان دارد» (رنجبر و خائفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸). زمان روایت به رخدادها بستگی دارد، اگرچه زمان مکانیکی ضرورتاً با فاصله معلوم در طول معین، مشخص شده است؛ در زمان روایی، هیچ گونه طولی به‌طور کلی ضرورت ندارد.

۶-۳- ساحت مکانی: مکان یکی از عناصر داستان است که در روند شکل‌گیری و ساختار داستان و ماهیت شخصیت‌های داستانی و روابط میان آنها مؤثر است. مکان، حامل نگرش‌های قهرمان داستان و بیانگر دیدگاه‌های راوی است؛ می‌توان گفت که مکان نه یکی از عناصر داستان بلکه در کنار عنصرهای دیگر آن، قالبی کلی است که دیگر عناصر در آن واقع می‌شود.

دو نوع مکان وجود دارد: مکان داستان و مکان متن. مکان داستان شامل همه مکان‌هایی است که حوادث در آن‌ها اتفاق می‌افتد و مکان متن شامل صحنه‌هایی می‌شود که خواننده در خلال متن بدانجا سرک می‌کشد. «چَتْمَن (Chatman) معتقد است مکان متن، آن بخشی از مکان داستان است که بسته به مقتضیات رسانه، در افق دید راوی در روایت‌های کلامی یا دوربین در روایت‌های سینمایی قرار دارد» (حری، ۱۳۸۸، ص ۱۰۱).

نوع نزدیکی یا دوری راوی به صحنه‌ها هم می‌تواند نقشی مهم در صحنه‌پردازی ایفا کند. سیمپسون چهار نوع دیدگاه مکانی راوی را اینگونه معرفی می‌کند:

۶-۳-۱- «دید ایستا: راوی با اتخاذ دیدگاه ایستا، مکان را طوری توصیف می‌کند که گویی خود او در نقطه‌ای ثابت و بی‌حرکت ایستاده و ناظر آن مکان است.

۶-۳-۲- «دید متحرک: راوی در موقعیت متحرک قرار دارد؛ یعنی در حال حرکت است و فاصله‌اش با دیگران و محیط متغیر است.

۶-۳-۳- «دید کلی: راوی با اتخاذ دید کلی، خود را بیننده‌ای کاملاً هوشیار و مسلط به صحنه نشان می‌دهد و با نگاهی کلی مناظر را می‌بیند. این دید به «دید پرنده‌وار» نیز مشهور است.

۶-۳-۴- «دید متوالی: راوی به صورت متوالی دید خود را از یک شخصیت به شخصیت دیگر یا از یک صحنه به صحنه دیگر تغییر می‌دهد و این وظیفه به خواننده محول می‌شود که توصیف‌های مجزا و جزئی را به صورت تصویر منسجمی ببیند» (سیمپسون، ۱۹۹۳، ص ۱۸).

«در بخش زاویه دید مکانی، به بررسی امکانات و ابزاری پرداخته می‌شود که راوی در اختیار دارد تا روایت خود را از نظر جلوه‌های بصری غنی سازد. نام مناظر، کلماتی که معنای هندسی دارند صفات اندازه و شکل، حروف اضافه، کلمات اشاری و افزوده‌های دستوری مانند قیود مکان و زمان، جزء ابزار و نشانگرهایی سبکی هستند که زبان در اختیار راوی می‌گذارد» (سیمپسون، ۲۰۰۴، صص ۲۸-۲۹).

۶-۴- «ساحت روانشناختی: علاوه بر نشانگرهای زاویه دید مکانی، نشانگرهای سبکی دیگری وجود دارند که به احساسات، افکار و عواطف راوی ارجاع می‌دهند و بر دیدگاهی درونی شده تر و روان شناختی دلالت دارند. بررسی این نوع از نشانگرها در ذیل زاویه دید روان‌شناختی، انجام می‌شود. بررسی انواع روایتگری از نظر اول، دوم و سوم شخص بودن نیز در این بخش صورت می‌گیرد. سیمپسون در این ساحت سه نگرش را مطرح می‌کند:

۶-۴-۱- «نگرش اثباتی: در این نگرش آرزوها، الزامات و عقاید راوی در مورد حوادث برجسته شده‌اند، نظام وجه نمای اخلاقی در این نگرش چشمگیر است.

۶-۴-۲- نگرش انکاری: وجه نمایی که در آن یک راوی سرگشته و حیران (یا یک شخصیت) از ظواهر و نشانه‌های عینی سخن می‌گوید. نظام وجه نمای شناختی در این نگرش برجسته است.

۶-۴-۳- نگرش بی‌طرف: این نگرش از هر گونه وجه نمای روایی خالی است. نگرش بی‌طرف بنیاد رئالیسم عینی را در رمان معلوم می‌کند.

سیمپسون با استفاده از نتیجه‌بازبینی ساحت‌ها، دیدگاه روان‌شناختی را اساسی‌ترین مرجعی می‌داند که بر نظام روایی داستان، بیشتر از همه تسلط دارد (سیمپسون، ۱۹۹۳، ص ۵۵).

۶-۵- ساحت ایدئولوژیک: در این سطح مجموعه‌ای از عقاید ایدئولوژیک راوی، شخصیت و یا هر دو به چشم می‌خورد. برای مثال سیمپسون به مسیحی بودن تولستوی اشاره می‌کند که در آثارش مشهود است و منبعی برای ابراز عقاید نویسنده است (سیمپسون، ۲۰۰۴، ص ۷۸). البته، بررسی زاویه دید زمانی، مکانی و روان‌شناختی به تعیین و تبیین زاویه دید ایدئولوژیک نویسنده کمک فراوانی می‌کند.

۷- بررسی زاویه دید داستان حضرت مریم (س) بر اساس مدل پیشنهادی سیمپسون

داستان حضرت مریم (س) وحیی از جانب پروردگار و داستانی غیربشری است، اما غیر بشری بودن آن به معنای عاری بودنش از عناصر داستانی نیست، بلکه این عناصر در آن دیده می‌شود و حوادث به صورت پراکنده و در سوره‌های متعددی آمده است. خداوند متعال با اسلوبی متین و مستحکم، عناصر داستانی رخدادها را به نمایش در می‌آورد. هر یک از این عناصر آن چنان که مستلزم شیوه یگانه قرآن است، در محور شکر و اخلاص، صبر و تسلیم محض اراده خداوند بودن را متجلی می‌کند.

داستان حضرت مریم (س) در سوره آل عمران از تولدش که با نذر مادر وی است، آغاز و این میلاد مبارک که دارای اهمیت زیادی است با جزئیات خاصی بیان می‌شود؛ مثل «نذر بودن»، «ناراحتی از اینکه مولود نورسیده دختر است»، «نامگذاری او»، «در پناه خدا قرار دادنش از شر شیطان رانده‌شده و قبول شدنش به احسن وجه» و «پرورش نیکوی حضرت مریم (س)» (آل عمران: ۳۵-۳۷) دارای درنگ توصیفی است و سرعت نقل داستان در متن کاهش می‌یابد و تعداد جملات بیشتری به این امر اختصاص دارد.

در ادامه حضرت زکریا (ع) کفالت ایشان را به عهده می‌گیرد و نکته‌ای که در هر بار دیدار حضرت زکریا (ع) با حضرت مریم (س) اتفاق می‌افتد، این است که روزی شگفت‌آوری نزد ایشان می‌بیند. از این رو، می‌پرسد: «ای مریم! این از کجا برای تو می‌رسد؟» ﴿قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا﴾ (آل عمران: ۳۷ / ۳) و جواب حضرت مریم (س) که نشان از ایمان قوی ایشان به «الله» دارد، این است که «آن از جانب الله است» ﴿قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ (همان) و جمله تعمیم دهنده ایشان که ﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (همان): «قطعاً و همیشه و به صورت مستمر، «الله» که جامع تمام صفات کمالیه است، هر کس را بخواهد بدون هیچ حسابی روزی می‌دهد». این جواب قاطع دارای وجهیت مثبت است و قاطعیت حضرت مریم (س) را نسبت به خالق هستی به تصویر می‌کشد. این سؤال و جواب منجر به این شد که حضرت زکریا (ع) در آنجا پروردگارش را بخواند و بگوید: ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾ (همان، ۳۸): «پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک به من عطا فرما». دعای حضرت زکریا (ع) مستجاب می‌شود و در حالی که در محراب مشغول نماز هست، به او بشارت کلمه‌ای از جانب «الله» که پیشوا، پارسا و پیغمبری از صالحان است، داده می‌شود.

در آیه ۴۰ سوره آل عمران شاهد فرزنددار شدن حضرت زکریا (ع) در زمان پیری و با وجود نازا بودن همسرش هستیم که به دلیل نفوذ عمیق سخن حضرت مریم (س) در اعماق قلب این پیامبر خدا بود.

در ادامه، فضای اصلی داستان را می‌بینیم و شاهد صحبت فرشتگان با حضرت مریم (س) هستیم که پیام الهی را به مریم (س) ابلاغ می‌کنند: ﴿يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۴۲ / ۳): «ای مریم خداوند تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان جهانیان برگزید». تکرار واژه «تو را برگزید» نشان از اهمیت برگزیده شدن حضرت مریم (س) بر جهانیان و پاکی او دارد و پیام بعدی این است که به خاطر این برگزیده شدن و پاکی، باید سه کار مهم را انجام دهد: ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ (آل عمران: ۴۳ / ۳) «فرمانبرداری از پروردگارش» و «سجده» و «رکوع با رکوع کنندگان».

﴿وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ (آل عمران: ۴۴ / ۳): «و حال آنکه زمان قرعه کشی و اینکه چه کسی کفالت حضرت مریم (س) را به عهده گیرد و مشاجره آنها برای این کار، (تو ای پیامبر) نزد آنها نبودی». این آیه شریفه دارای گذشته نگری درونی می‌باشد.

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ (آل عمران: ۴۵-۴۶): «ای محمد (ص) هنگامی را به یاد بیاور

که فرشتگان گفتند: «ای مریم! الله تو را به کلمه‌ای از جانب خودش بشارت می‌دهد که نام او مسیح، عیسی بن مریم، است و در دنیا و آخرت آبرومند، و از مقربان درگاه الهی است و در گهواره و پیری با مردم سخن می‌گوید و از صالحان است».

در این آیات شریفه، شاهد آینده‌نگری و نیز صحنه نمایش که ناب‌ترین شکل آن همان مکالمه است و دیرش زمان داستان با متن برابر می‌باشد، هستیم. ﴿قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسَّ مِنِّي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ (آل عمران: ۴۷/۳): حضرت مریم (س) فرمود: «چگونه مرا فرزندی باشد در حالی که هیچ بشری به من نزدیک نشد؟! خداوند متعال فرمود: چنین است، خداوند هرچه را بخواهد می‌آفریند و چون مشیت او بر چیزی قرار گیرد به محض این که بگوید: موجود باش همان دم موجود می‌شود».

در آیات داستانی مربوط به حضرت مریم (س) در سوره آل عمران، بیشتر شاهد صحنه نمایشی هستیم که گفت‌وگو خالص‌ترین شکل این نوع است. مکالمه، یک نوع تعامل کلامی است که سبب ایجاد نوعی چند صدایی در متن می‌شود که به گویندگان فرصت می‌دهد تا نظرات و افکار و اندیشه‌های خود را آشکار کنند. در مکالمه، دیرش زمان داستان با متن برابر است: ﴿إِذْ قَالَتْ امْرَأَةٌ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (آل عمران: ۳۴/۳): همسر عمران گفت: «پروردگارا! به خاطر تو آنچه را داخل شکم دارم در راه خدمت تو نذر کردم...»

۸- بسامد

منظور از بسامد، تعداد دفعات روایت یک واقعه داستانی واحد در متن است که شامل سه نوع کلی است: «بسامد مفرد»، «بسامد مکرر» و «بسامد تکراری».

۸-۱- بسامد مفرد (تک‌محور): بسامد مفرد بدین معناست که آنچه یک بار در داستان اتفاق افتاده، یک بار نقل می‌شود. در این داستان در ۸ مورد شاهد بسامد مفرد هستیم که عبارتند از: نذر مادر مریم و دعا برای قبولی آن (آل عمران: ۳۵/۳)، به دنیا آمدن دختر و ناراحتی مادر حضرت مریم (س) از اینکه نمی‌تواند نذرش را ادا کند و نامگذاری حضرت به «مریم» و پناه دادن مولود مبارک و فرزندان به خداوند از شر شیطان (آل عمران: ۳۶/۳)، قبول شدن نذر مادر حضرت مریم (س) و پرورش نیکوی او (آل عمران: ۳۷/۳) و همچنین، پاک شدن حضرت

مریم و امر به فرمانبرداری و سجده و رکوع با رکوع کنندگان (آل عمران: ۳/ ۴۲) و بشارت به میلاد مسیح، فرد آبرومند در دنیا و آخرت (آل عمران: ۳/ ۴۵).

۸-۲- بسامد چندمحور (مکرر): نقل چندباره آنچه در داستان یک بار اتفاق افتاده همان بسامد مکرر است. براساس این نوع بسامد، داستان حضرت مریم (س) در سطح داستان از تولد خودشان تا تولد حضرت عیسی (ع)، تنها یکبار اتفاق افتاده، ولی در سطح متن در چند سوره مختلف قرآن کریم تکرار شده است. بنابراین، این داستان، داستان مکرر یا چند محور است که در سطح داستان حضرت مریم (س) در جدول ذیل قابل ملاحظه است:

ردیف	موضوع داستان	بسامد	آیات
۱	کفالت حضرت زکریا	۲	آل عمران: ۳/ ۳۷ و ۴۴
۲	برگزیده شدن حضرت مریم (س)	۲	آل عمران: ۳/ ۴۲
۳	تعجب حضرت مریم از فرزنددار شدن بدون همسر	۲	آل عمران: ۳/ ۴۷ و مریم: ۱۹/ ۲۰
۴	پاکدامنی و دمیدن روح الهی در آن	۲	انبیاء: ۲۱/ ۹۱ و تحریم: ۶۶/ ۱۲
۵	آیت بودن حضرت مریم (س)	۲	انبیاء: ۲۱/ ۹۱ و مؤمنون: ۲۳/ ۵۰

به علاوه، در قرآن کریم هرجا از حضرت عیسی (ع) نام برده شده، با عنوان پسر مریم ذکر شده است که در جدول ذیل نشان داده می‌شود:

ردیف	آیات	بسامد
۱	بقره: ۲/ ۸۷، ۲۵۳	۲
۲	نساء: ۴/ ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۷۱	۳
۳	مائده: ۵/ ۱۷، ۴۶، ۷۲، ۷۵، ۷۸، ۱۱۶، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۶	۱۰
۴	توبه: ۹/ ۳۱	۱
۵	احزاب: ۳۳/ ۷	۱
۶	زخرف: ۴۳/ ۵۷	۱
۷	حدید: ۵۷/ ۲۷	۱
۸	صف: ۶۱/ ۱۴، ۶	۲

تکرار ۲۱ باره این مباحث، به دلیل اهمیت فراوانی است که دارند از جمله: معجزه و غیر طبیعی بودن خلقت حضرت عیسی (ع) و پاکدامنی حضرت مریم (س) که نزد خالق یکتا دارای اهمیت خاص است.

۸-۳- بسامد تکرارشونده (بازگو): نقل یک بار آنچه در داستان چند بار اتفاق افتاده است بسامد بازگو نام دارد. در آیه ۳۷ آل عمران شاهد این نوع بسامد هستیم آنجا که خداوند متعال می فرماید: ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾: «هر وقت زکریا به معبد عبادت حضرت مریم وارد می شد، نزد او رزق شگفت آوری می یافت» که نشان دهنده این است که این اتفاق بارها افتاده است، ولی تنها یک بار ذکر شده است.

۹- زاویه دید مکانی در سوره مریم (س)

مکان داستان حضرت مریم (س) عبارت از محراب، مکان دور در کنار درخت خرما می خشکیده، زمین خشک و مکان شرقی و مکانی مرتفع دارای آرامش و آب جاری است. برجسته ترین ویژگی این مکانها انزوا، عزلت و دوری گزیدن از مردم است که باعث می شوند انسان هرچه بیشتر به خداوند متعال اتکا کند و به او وابسته شود و تنها او را ستایش و بندگی کند و فقط محبت او را طلب نماید، خداوندی که نامحدود است و از صحبت بنده اش و اظهار نیاز او خسته نمی شود. این مکانها سمبل بریدن از جهان مانوس و ماسوی الله و پیوند با ملکوت و بعلاوه، محیطی حیرت آور، اعجاز آمیز، زیبا و ترسناک است. در آن واحد درخت خرما بارور می شود و خرما می تازه به بار می دهد و از زمین خشک، آب جاری می شود (مریم: ۱۹ / ۲۴-۲۵). در این محیط، شاهد زیبایی های طبیعی خدادادی به صورت معجزه هستیم، منظره ای زیبا از درختی پر برگ و میوه دار که خودش، خرما می تازه می ریزد و جوی آب جاری که آن قطعه از زمین را به بهشتی حیرت انگیز تبدیل می کند. راوی داستان، خود، این کارها را انجام می دهد و از زبان نوزاد نورسیده او را دلداری می دهد که بخور و بیاشام و چشمش روشن باشد. (بستانی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۵۲۳-۵۳۲).

یکی از مکان هایی که حضرت مریم (س) در آن حضور چشمگیر دارد، محراب است که هر بار حضرت زکریا (ع)، در آن مکان وارد می شد، رزق بهشتی، میوه زمستانی در تابستان و میوه تابستانی در زمستان نزد ایشان می یافت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۴۰). زاویه دید مکانی در اینجا، زاویه دید دانای کل از نوع پرنده وار است که کاملاً به آن احاطه دارد.

در آیه ۱۶ سوره مریم، از مکان شرقی نام برده شده است: ﴿وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ اِذْ اَنْبَدَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾ که به محل طلوع نور عیسی (ع) و جایگاه سخن گفتن خالق یکتا و فرشتگان با مریم (س) اشاره دارد. در آیه ۲۲ سوره مبارکه مریم شاهد مکان دور افتاده ای

هستیم: ﴿فَحَمَلَتْهُ فَاتَّبَعَتْهُ بِهٖ مَكَانًا قَصِيًّا﴾ که حضرت مریم (س) خودش را در آنجا افکنده است، مکانی که از آدمیان دور است و باعث نزدیکتر شدن مریم (س) با خالقش و گفتگوی خالصانه تر با او می‌شود. یکی دیگر از مکان‌ها، کنار تنه درخت خرما است که به تصریح مفسران میوه‌ای نداشته و خشک بوده است: ﴿فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۲۴): از زیرش او را صدا زد که ناراحت نباش، پروردگارت زیر تو نه‌ری قرار داده است.

کلمه «تَحْتِ» با توجه به اضافه شدنش به ضمیر «ک» اشاره به مکان نزدیک به حضرت دارد. حضرت مریم، حضرت عیسی (ع) را نزد قومش آورد درحالی‌که او را حمل می‌کرد؛ گفتند: ای مریم! چیز نوظهور و عجیبی آوردی، زائیدن بدون شوهر؟! ﴿فَأَتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۲۷): آوردن به معنای این است که از یک مکان به مکان دیگر در حرکت است و از مکان دورتر به مکان نزدیک‌تر می‌آید.

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهٖ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾ (مریم: ۱۹/۲۹). مریم به کودک اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کودک گهواره‌ای سخن بگوییم؟». اشاره کردن دلالت بر یک مکان (که همان گهواره است) دارد.

اسم اشاره دور در جمله ﴿ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾ (مریم: ۱۹/۳۴) از مقام والای حضرت عیسی (ع) خبر می‌دهد.

﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهٖ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾ (مؤمنون: ۲۳/۵۰): پسر مریم و مادرش را نشانه‌ای قرار دادیم و آن دو را به مکان مرتفعی که دارای آرامش و آب جاری بود، پناه دادیم. در این آیه، مکانی بلند و مرتفع و دارای آب جاری و آرامش ترسیم شده است.

۱۰- زاویه دید داخلی و خارجی و بازنمایی گفتار و تفکر

﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا﴾ (آل عمران: ۳/۳۵): [یاد کنید] هنگامی که همسر عمران گفت: پروردگارا! برای تو نذر کردم که آنچه را در شکم خود دارم آزاد باشد، بنابراین از من بپذیر یقیناً تو شنوا و دانایی. راوی، سوم شخص داخلی است به این معنا که شخصیت دخیل در روایت است و نذر به خاطر او انجام شده است و بازنمایی روایت به صورت نقل قول مستقیم آمده و مناجات و دعای خالصانه مادر حضرت مریم را در خصوص پذیرش این نذر روشن می‌کند.

در آیات داستانی حضرت مریم (س)، ۲۹ مورد روایت، با دیدگاه سوم شخص داخلی بازتابگر است که افکار و احساسات شخصیت‌های داستان را شرح می‌دهد و ۴ مورد روایت با دیدگاه اول شخص جمع آمده است: ﴿ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ﴾ (آل عمران: ۳/۴۴): «این

[حقایق] از خبرهای غیبی است که به تو وحی می‌کنیم؛ ﴿وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء: ۲۱ / ۹۱): «و آن [زن را یاد کن] که دامن خود را پاک نگه داشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم و او و پسرش را نشانه‌ای [بزرگ از قدرت خود] برای جهانیان قرار دادیم؛ ﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾ (مؤمنون: ۲۳ / ۵۰): «و پسر مریم و مادرش را نشانه [قدرت و رحمت خود] قرار دادیم و آن دو را در سرزمینی بلند که [دارای] جایگاهی مستقر [و امن] و آبی روان بود، جای دادیم؛ ﴿مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَاتِلِينَ﴾ (تحریم: ۶۶ / ۱۲): «و [نیز] مریم دختر عمران [را مثل زده است] که دامان خود را پاک نگه داشت و در نتیجه، از روح خود در او دمیدیم و کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از اطاعت‌کنندگان [فرمان‌های خدا] بود». راوی در تمام موارد خداوند متعال است و برای هدایت بندگانش، این داستان را روایت می‌کند و دارای ۱۷ نقل قول مستقیم می‌باشد که در آنها، گفتار شخصیت‌ها را بازنمایی می‌نماید.

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (آل عمران: ۳ / ۳۶): «و چون او را بزاد (از روی حسرت) گفت: پروردگارا، فرزندم دختر است! - و خدا بر آنچه او زاییده داناتر است - و پسر مانند دختر نخواهد بود، و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شر شیطان رانده‌شده در پناه تو آوردم». در این آیه شریفه نیز راوی سوم شخص داخلی و دانای کل است و کاملاً از جریان آگاه است و از سخنان و افکار و نیات پاک بنده‌اش خبر دارد. به همین دلیل می‌فرماید: پسر مانند دختر نیست و او را آرام می‌نماید و شاهد نقل قول مستقیم هستیم.

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ﴾ (آل عمران: ۳ / ۴۴): «این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم». در این آیه، راوی اول شخص جمع داخلی، آگاه از غیب است و شاهد بازنمایی تفکر آزاد می‌باشیم.

از افکار و احساسات مریم با جمله ﴿يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا﴾ (مریم: ۱۹ / ۲۳): «ای کاش قبل از این مرده و کاملاً فراموش شده بودم» پرده‌برداری می‌شود و دلیل رفتن به کنار تنه درخت خرما را درد زایمان و اندوه فراوان می‌داند: ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ﴾

(همان) برای اینکه خودش را پشت درخت پنهان کند. ناراحتی حضرت با این جملات در قالب مونولوگ بیان می‌شود و بازنمایی گفتار، به صورت نقل قول مستقیم است.

راوی در این سه آیه، راوی داخلی و از نوع اول شخص درونی و دخیل در داستان است که به دلیل پاکی بنده‌اش و اینکه کلمات و کتاب‌های پروردگارش را تصدیق کرده و از مطیعان و فرمانبران ذات اقدسش است، در جایگاه‌های مختلف و با اسباب گوناگون او را یاری می‌کند و پناه می‌دهد.

۱۱- دیدگاه وجهی

وجه غالب در داستان حضرت مریم، مثبت است. استفاده از تأکیدهایی با بسامد بالا، فعل‌های امری، جملات تعمیم‌دهنده و بیان‌کننده عقیده و... اثبات‌کننده این حقیقت است. در ادامه، به شرح این ابزارهای زبان‌شناختی می‌پردازیم:

در آیه ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا... إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (آل عمران: ۳۵ / حرف تأکید «إِنَّ»، فعل ماضی و جمله اسمیه در جمله شریفه ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ﴾ دلالت بر وجه معرفتی و اطمینان مادر حضرت مریم دارد که کاملاً به حرفی که می‌زند و نذری که می‌کند باور دارد و این نشانه ایمان عمیق و ریشه‌دار اوست و همچنین، ﴿إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ علاوه بر موارد بالا، وجود ضمیر فصل ﴿أَنْتَ﴾ و حرف ﴿أَل﴾ در ﴿السَّمِيعُ﴾ و ﴿الْعَلِيمُ﴾ و همچنین، صیغه این دو کلمه - که بر مبالغه دلالت دارند و در نقش خبر هم ظاهر شده‌اند- تأکید بیشتر و حصر دارد و نشان از ایمان واقعی حضرت و ریشه در توحید دارد، زیرا می‌فرماید: فقط تو بسیار شنوا و بسیار دانایی. بنابراین، در اینجا شاهد وجهیت مثبت بسیار روشن و عمیقی هستیم.

﴿إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى... وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ (آل عمران: ۳۶ / ۳).

در عبارات ﴿إِنِّي وَضَعْتُهَا﴾، ﴿إِنِّي سَمَّيْتُهَا﴾ و ﴿إِنِّي أُعِيذُهَا﴾ هر کدام سه تأکید وجود دارد که عبارتند از: «إِنَّ، جمله اسمیه و بازگشت ضمیر از خبر به اسم «إِنَّ» که همه اینها بر قطعیت و اطمینان کامل خبر می‌دهند.

﴿...إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (آل عمران: ۳۷ / ۳) قطعاً قطعاً و به صورت مستمر خداوند هر کس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد. در جمله شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ﴾ نیز شاهد همین اسلوب تأکیدی می‌باشیم که علاوه بر سه تأکید مختلف، آورده شدن خبر ﴿يَرْزُقُ﴾ به صورت فعل مضارع، بر استمرار تجددی نیز اشاره دارد، یعنی این روزی دادن بی حساب به

صورت مستمر و نوبه نو انجام می‌پذیرد. این عبارت از نوع جملات تعمیم‌دهنده است که بیانگر داخل شدن چند چیز در حکم است.

دو عبارت شریف ﴿كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ (آل عمران: ۴۰ / ۳) و ﴿كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ﴾ (آل عمران: ۴۷ / ۳) نیز از جملات تعمیم‌دهنده است و دارای دو تأکید می‌باشد: جمله اسمیه و بازگشت ضمیر از خبر به مبتدا. این عبارت شریفه بر تأکید دلالت دارد و بدین معناست که خداوند متعال هر چه را بخواهد به‌طور مستمر و نوبه نو خلق می‌کند.

در عبارت ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ﴾ در آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۴۲ / ۳): «قطعاً و بدون هیچ شکی خداوند تو را برگزید و پاک کرد و تو را بر زنان جهانیان برگزید.» علاوه بر اسلوب‌های تأکیدی ذکر شده، تکرار اصطفاک هم نوعی تأکید به حساب می‌آید و دلالت بر اهمیت زیاد برگزیده شدن حضرت مریم دارد.

سه فعل ﴿اِقْتَنِي﴾، ﴿اسْجُدِي﴾ و ﴿ارْكَعِي﴾ (آل عمران: ۴۳ / ۳)... فرمانبردار باش و سجده و رکوع را با رکوع کنندگان به جا آور (نماز بخوان) امر حقیقی هستند و بر الزام دلالت دارند و رکوع به جماعت و همراه با رکوع کنندگان برای حضرت مریم (س) واجب شمرده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: اگر می‌خواهی این سه ویژگی برجسته (برگزیده شدن، مطهره بودن و برتری بر زنان جهان) استمرار یابد، بر علل و اسباب آن مداومت کن، برای پروردگارت خضوع دائمی داشته باش و سجده به جا آور و با نمازگزاران، نماز بخوان (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۷، ص ۳۷۴).

﴿إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ﴾ (نساء: ۱۷۱ / ۴): «مسیح، عیسی پسر مریم، فقط رسول خدا و کلمه‌ای است که به مریم القا شد و روحی از جانب اوست.» در این آیه شریفه نیز، شاهد دو تأکید، جمله اسمیه و ادات حصر، هستیم.

﴿قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ﴾ (مریم: ۱۹ / ۱۹): «گفت: من فقط فرستاده پروردگارت هستم.» جمله اسمیه و ادات حصر دلالت بر تأکید و قطعیت دارند.

در آیه ﴿قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا﴾ (مریم: ۲۳ / ۱۹) شاهد وجه تمنایی هستیم. حضرت مریم (س) در آن لحظه حساس و پر از درد و استرس و نگرانی آرزوی عمیق دارد که ای کاش قبل از این مرده بودم و به‌طور کامل فراموش می‌شدم.

در آیات شریفه ﴿فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا وَ هُزِيَ إِلَيْكَ بِجَذَعِ النَّخْلَةِ تَسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا فَكُلِي وَ اشْرَبِي وَ قَرِي عَيْنًا فِيمَا تَرِينَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقَوْلِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾ (مریم: ۱۹ / ۲۴-۲۶): «پس کودک از زیر [پای] او ندایش داد: غمگین مباش که پروردگارت از زیر [پای] تو نهر آبی پدید آورده است [تا بیاشامی و شستشو کنی]. [و تنه خرما را به سوی خود بجنبان تا برایت خرما می تازه و از بار چیده بریزد پس بخور و بیاشام و چشمت روشن باشد... پس، بگو: قطعاً برای خدای رحمن روزه نذر کردم پس امروز با هیچ انسانی صحبت نخواهم کرد.]»

فعل‌های «حرکت ده»، «بخور»، «بیاشام»، «چشم‌ت روشن باشد» و «بگو» فعل امر، و «غمگین مباش»، فعل نهی است و بر الزام دلالت دارند و عبارت شریفه ﴿قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا﴾ با ﴿قَدْ﴾ تأکید شده است. عبارت ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا﴾ دارای سه تأکید «إِن»، «جمله اسمیه» و «وجود ضمیر در خبر که به مبتدا بر می‌گردد»، می‌باشد و نکره بودن ﴿إِنْسِيًّا﴾ بعد از نفی به این معنی است که با هیچ انسانی امروز، سخن نخواهم گفت که این عمومیت نیز بر تأکید آن می‌افزاید.

در عبارت ﴿لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا﴾ (مریم: ۱۹ / ۲۷): «ای مریم چیز بزرگ و عجیبی آورده‌ای؟!» سه تأکید وجود دارد: حرف «لام» و «قَدْ» و «قسم محذوف» و دلیل این همه تأکید بنی اسرائیل چیزی است که می‌بینند و از جزئیات و اتفاقاتی که افتاده، خبر ندارند و این تأکیدات نشانه تعجب آنها هم هست همانطوری که در آیه بعدی آمده است که پدر و مادرت انسان‌های پاکی بوده‌اند (مریم: ۱۹ / ۲۸).

جملاتی را که خود راوی دانای کل مطلق در اینجا بیان می‌کند، بدون هیچ شک و تردید و با قاطعیت و اطمینان کامل است. دانای کلی که تمام این صحنه‌ها را به‌طور کامل دیده و ثبت نموده و مانند روز برایش روشن است و مخاطب این عبارات ارزشمند هم پیامبر اکرم (ص) هستند که هیچ‌گونه شکی نسبت به کلمات خالقشان ندارند.

در آیات داستانی حضرت مریم، شاهد ۱۶ جمله تأکیدی (از مادر مریم، مریم و فرشتگان و بنی اسرائیل) و ۱۰ فعل امر (از مادر مریم، فرشتگان و خداوند متعال) هستیم که نشانه اطمینان و قاطعیت و نیز ایمان قوی است و نظام وجهی را به شکل مثبت در آورده است.

۱۲- ساحت ایدئولوژیکی

در تمامی بخش‌های داستان حضرت مریم (س) نظام یکپارچه توحیدی جهان آفرینش مشهود است و نشان دهنده آن است که زمام تدبیر تمام جهان به دست خالق مدبر و حکیم است و به اعتقاد راسخ شخصیت‌های داستان به راوی متعال اشاره دارد. به عنوان مثال، مادر مریم فرزند

داخل شکمش و جگر گوشه‌اش را به خاطر خالقش با اعتقاد راسخ نذر بیت‌المقدس می‌کند و نام او را مریم گذاشته و او ذریه‌اش را از شر شیطان رانده‌شده در پناه خالقش قرار می‌دهد (آل عمران: ۳۵/۳) که این نشان از باور راستینش به خداوند دارد و بعد از ادای نذر می‌بینیم از جانب خداوند برای مریم رزقی شگفت می‌آمد و مریم می‌گوید: آن رزق از جانب خداست و بی‌هیچ شکی الله هر کس را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد (آل عمران: ۳۷/۳). گفتگوی مریم با فرشتگان که از عالم غیب هستند، نشان از مقام والا و کشف و شهود مریم با عالمی و رای جهان مادی دارد و از عقیده واقعی او نشأت می‌گیرد (همان، آیات ۴۲-۴۳ و ۴۵-۴۷) و اینکه، بشارت به فرزنددار شدن بدون همسر را عجیب می‌داند، (مریم: ۱۹/۲۰) به این دلیل است که معتقد است خداوند کارهایش را با واسطه انجام می‌دهد و جهانی که خلق کرده است، نظام علی و معلولی است.

نتیجه‌گیری

بررسی داستان مریم (س) نشان می‌دهد که انواع روایتگری آن براساس مدل پیشنهادی سیمپسون مطابقت دارد. از بین سه شیوه اصلی روایتگری سیمپسون، راوی در این داستان، غالباً سوم شخص دانای کل درونی در حالت روایی است و با وجود اینکه، قسمت‌هایی از این داستان توسط سوم شخص غیر مشارکت کننده و غیر قابل رؤیت بیان می‌شود، گاهی راوی در داستان مشارکت و طرفداری خود را بیان می‌کند، یعنی خداوند متعال با تجلی فاعلی خود تأثیر بسیار زیادی در سیر داستان و واکنش شخصیت‌ها ایجاد می‌کند و از جهت زاویه دید مکانی راوی سیمپسون، «دید پرنده‌وار» با این داستان مطابق است، یعنی راوی هوشمندانه شاهد تمامی صحنه هاست، ولی هر جا اقتضا کند، زاویه دوربین از منظر شخصیت‌ها کانون‌سازی می‌شود و از نظر زمانی به دلیل وقوع آن در زمان گذشته، ۶۴ بار از فعل ماضی استفاده شده که علاوه بر نشان دادن زمان گذشته بر قطعیت نیز دلالت دارد و دارای ۸ بسامد مفرد و ۳۰ بسامد مکرر و ۱ بسامد بازگو می‌باشد و ۱ مورد گذشته‌نگری درونی دارد. صحنه نمایش که ناب‌ترین شکل آن مکالمه است، به شکل گسترده‌ای در این داستان دیده می‌شود به طوری که در ۲۲ آیه از شیوه گفتگو استفاده شده است.

وجهیت غالب در داستان مریم مثبت است و در آن افعال امری ۱۲ بار، جملات تعمیم دهنده ۳ بار، افعال تمنایی ۶ بار، جملات بیان‌کننده عقیده ۱۹ بار و کلمات احساسی ۱۰ بار آمده است. طبیعتاً، متنی که از این ابزارها استفاده می‌کند، وجهیت کاملاً مثبت دارد. راوی نسبت به اطلاعاتی

که ارائه می‌دهد، مطمئن است و بر آنها نظارت دارد به این معنا که اطلاعات خود اوست و کاملاً به آن اشراف دارد. در وجهیت مثبت، لحن و محتوای کلام، تأکیدی، پر اعتماد و برای شنونده اطمینان‌بخش است. در واقع، راوی داستان نسبت به آن خوش‌بین است و هر جا شخصیت اصلی به کمک نیاز داشته باشد، به او کمک و گره‌گشایی می‌کند و لحظه به لحظه او را یاری می‌نماید. از زمان نذر مادر حضرت مریم و قبول کردن آن و کفیل قرار دادن حضرت زکریا (ع) تا به دنیا آمدن حضرت عیسی (ع) و سخن گفتن او در گهواره، در همه مراحل به فریاد قهرمان داستان می‌رسد و این، یکی از تفاوت‌های عمده داستان‌های قرآنی با داستان‌های زائیده فکر بشر است. اگرچه وجهیت مثبت، وجه غالب داستان حضرت مریم (س) در قرآن است، ولی از وجهیت منفی نیز خالی نیست و در پاره‌ای از موارد - برای نشان دادن شک و تردید و ارزیابی شخصیت‌ها از یکدیگر- از وجهیت منفی نیز استفاده شده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم؛ ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۱. احمدی، بابک؛ *ساختار و تأویل متن*؛ چ ۲، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲ ش.
 ۲. افخمی، علی و علوی، فاطمه؛ «زبان‌شناسی روایت»؛ دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
 ۳. بستانی، محمود؛ *جلوه‌های هنری داستانهای قرآنی*؛ ترجمه: موسی دانش، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
 ۴. بی‌نیاز، فتح‌الله؛ *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی*؛ تهران: افراز، ۱۳۸۷ ش.
 ۵. پاشایی، محمد؛ «بررسی روایت در رمان "چشم‌هایش" از دیدگاه ژرار ژنت»؛ زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۴ ش.
 ۶. تودوروف، تزوتان؛ *بوطیقای ساختارگرا*؛ ترجمه: محمد نبوی، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۲ ش.
 ۷. تولان، مایکل؛ *روایت‌شناسی، درآمدی بر زبان‌شناسی انتقادی*؛ ترجمه: سیده فاطمه علوی و فاطمه نعمتی، تهران: سمت، ۱۳۸۶ ش.
 ۸. جوادی آملی، عبد‌الله؛ *سیره پیامبران در قرآن*، به کوشش علی اسلامی، چ ۵، قم: اسراء، ۱۳۸۹ ش.
 ۹. حری، ابوالفضل؛ «مؤلفه‌های زمان و مکان روایی در قصص قرآنی»؛ ادب پژوهی، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۸ ش.
 ۱۰. حق‌شناس و خدیش، پگاه؛ «یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۷، شماره ۱۸۶، صص ۲۷-۳۱.
 ۱۱. خادمی، نرگس؛ «الگوی دیدگاه روایی سیمپسون در یک نگاه»؛ نقد ادبی، شماره ۱۷، ۱۳۹۱ ش.
 ۱۲. رنجبر، محمود و خائفی، عباس؛ «بررسی ساختار عنصر زمان بر اساس نظریه ژرار ژنت در نمونه‌ای از داستان کوتاه دفاع مقدس»؛ ادبیات پایداری، شماره ۵ و ۶، ۱۳۹۰ ش.
 ۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ به کوشش محمدجواد بلاغی، چ ۳، انتشارات ناصر خسرو، تهران: ۱۳۷۲ ش.
 ۱۴. فتوحی، محمود؛ *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*؛ تهران: سخن، ۱۳۹۲ ش.
 ۱۵. مارتین، والاس؛ *نظریه‌های روایت*؛ ترجمه: محمد شهباز، تهران: هرمس، ۱۳۸۶ ش.
 ۱۶. میرصادقی، جمال، *عناصر داستان*؛ تهران: نشر سخن، ۱۳۹۴ ش.
17. Simpson, Paul, *Stylistics, A Resource book for students*, London: routledge 2004.
18. ———, *Language, Ideology and point of View*, London: routledge, 1993.